



فصلنامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

شماره چهل و پنجم - پاییز ۱۳۹۹ - از صفحه ۹۱ تا ۱۰۳

<http://jpll.iabushehr.ac.ir>

ISSN 2008-627X



ریخت شناسی چند تمثیل حیوانی در حدیقه الحقیقه سنایی بر اساس الگوی ولادیمیر پراپ

مریم کیانی فر*^۱، رضا اشرف زاده^۲، محمد فاضلی^۳

۱. دانش آموخته دکترای تخصصی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، ایران

۲. استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، ایران

۳. استاد زبان و ادبیات عرب دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، ایران

چکیده

ریخت شناسی، رویکردی نوین و ساختارگرا در مطالعه ادبیات است و باید ولادیمیر پراپ، مردم شناس روس را، آغازگر این روش علمی دانست. استفاده از تمثیل به عنوان یک صنعت بلاغی و شیوه استدلالی، روشی اساسی در ادبیات عرفانی ایران است. این رویه که از دیرباز در ادبیات ایران متداول بود از اشعار سنایی آغاز شده است. بررسی تمثیل‌های عرفانی از دید «ریخت شناسی» امکان تحلیل جامع ادبی، اجتماعی و عرفانی آن‌ها را فراهم می‌کند و فرصتی پدید می‌آورد که کاربرد تمثیل در ادبیات عرفانی با روشی کاملاً علمی مورد بررسی قرار گیرد. در پژوهش حاضر ضمن بیان و بررسی انواع تمثیل، تلاش می‌کنیم عناصرسازی آن را طبق الگوی پراپ و با روش تحلیلی و توصیفی تجزیه و تحلیل کنیم تا از این رهگذر، بیان تمثیلی سنایی را با تکیه بر خویشکاری‌هایی که پراپ برای عناصر داستانی معرفی می‌کند تبیین کنیم.

واژگان کلیدی: ریخت شناسی، تمثیل، سنایی، ولادیمیر پراپ

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۳۱

۱. پست الکترونیکی نویسنده مسؤول: maria.kiani.64@gmail.com

۲. پست الکترونیک: reza.ashrafzadeh1321@gmail.com

۳. پست الکترونیک: dr.mohammadfazeli2@gmail.com

۱ - مقدمه

نظریه «ریخت شناسی» که توسط «ولادیمیر پراپ» زبان شناس و مردم شناس معروف روس ارائه شده است روشی علمی برای بررسی متون داستانی است و در مرتبه‌ای فراتر از «ساخت شناسی» قرار گرفته است. از نظر پراپ هم عناصر ثابت و هم متغیر در داستان وجود دارند. نام قهرمانان داستانها و همچنین صفات آنها تغییر می‌کند اما کارکردها و خویشکاری‌هایشان تغییر نمی‌کند. خویشکاری (Function) در واقع عمل شخصیتی از اشخاص قصه است که از نظر اهمیتی که در جریان عملیات قصه دارد، تعریف می‌شود. پراپ نتیجه می‌گیرد که در یک قصه اغلب، کارکردهای مشابه توسط شخصیت‌های متفاوتی انجام می‌شود. این امر موجب می‌شود که ما بتوانیم قصه را براساس خویشکاری‌های قهرمانان آن مطالعه کنیم. کارکردهای مورد نظر پراپ پس از یک موقعیت آغازین، قصه را پیش می‌برند. این موقعیت آغازین یک وضعیت است و یک کارکرد محسوب نمی‌شود اما عنصری مهم در ریخت شناسی به شمار می‌آید. پس از موقعیت آغازین، سی و یک کارکرد یا خویش کاری‌هایی که پراپ در قصه‌های پریان معرفی می‌کند در قصه ظاهر می‌شوند. این کارکردها، هر یک دارای زیرمجموعه‌هایی هستند. پراپ برای هر کارکرد، چکیده‌ای ماحصل آن، یک تعریف اختصاری و نیز یک نشانه قراردادی می‌آورد. با بررسی ریخت شناسانه تمثیل‌های عرفانی در می‌یابیم که استفاده از تمثیل در ادبیات عرفانی تصادفی نیست بلکه حالت یک جریان متصل، مداوم و زنده را دارد و به مرور زمان در مسیر تکامل پیش می‌رود و رفته رفته به عناصر سازنده آن افزوده می‌شود و روابط میان عنصری آن هم شکل پیچیده‌تری به خود می‌گیرد. عرفا از سازه تمثیل هم به عنوان یک روش استدلال منطقی سود می‌جویند و هم از جنبه‌های بیانی و بلاغی آن استفاده می‌کنند و در آوردن تمثیل‌ها زیاد در بند صورت ظاهری آنها نیستند بلکه به دنبال معنویت ثانویه و برآیند آن هستند بر عکس فرمالیست‌ها که بیشتر به فرم و شکل اثر می‌پردازند.

۲ - پیشینه تحقیق

درباره تمثیل و تمثیل سازی عارفان در ادبیات فارسی، آثار بسیاری به صورت کتاب و مقاله وجود دارد. درباره ریخت شناسی هم اگرچه علمی نوپاست، منابع و آثار مهمی نوشته شده است که به شکل‌های مختلف گوشه چشمی هم به آثار عرفانی داشته‌اند. پورنامداریان (۱۳۷۵) در «رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی»، به بررسی تمثیل در مثنوی و رمز گشایی پاره‌ای از رمزها پرداخته است. صمدی (۱۳۹۵) در پایان‌نامه خود با عنوان «ریخت شناسی تمثیل‌های عرفانی در اشعار سنایی،

عطار و مولوی»، تمثیل را در دو شاخه محض و داستانی تحلیل می‌کند. بهبهانی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «سیری در تمثیل‌های عرفانی در آثار عطار و مولانا»، اوضاع و احوال اجتماعی شاعر را مورد بررسی قرار می‌دهد. با این حال کار مستقلی در زمینه بررسی تمثیل‌های حیوانی در حدیقه سنایی از باب ریخت شناسی صورت نگرفته و این نوشته در نوع خود تازه و بدیع است.

۳ - بیان مسأله

کاربردها و کارکردهای گسترده حیوانات به سبب قابلیت‌های نماد آفرینی و توانمندی‌های تمثیل پذیری، از جمله مواد و مصالح معناسازی و تصویرگری شاعران و نویسندگان به شمار می‌آیند. به ویژه در متون تمثیلی - عرفانی. تمثیل و رمز در ادبیات فارسی و خصوصاً ادبیات تعلیمی دارای ارزش و کاربرد فراوانی است و متون تمثیلی - تعلیمی مانند حدیقه سنایی از مهم‌ترین متونی هستند که قابلیت مضمون پردازی و مفهوم سازی به کمک تمثیل را دارند. یکی از مباحث مورد توجه روایت شناسان ساختارگرا، یافتن دستور زبان قصه است. نیز یکی از مهمترین عرصه‌های تحقیقات این نظریه پردازان، در حوزه داستان‌ها و قصه‌های عامیانه است. از آنجا که شاعران و عارفان در بیان مضامین و توجیه نظریات خود از داستان‌های عامیانه بسیار بهره می‌برده‌اند. لذا این نظریه می‌تواند در داستان‌ها و تمثیل‌های عارفانه، نظیر حدیقه سنایی قابل تعمیم باشد.

۴ - پرسش تحقیق

(۱) انواع تمثیل در بیان عرفانی کدام است؟

(۲) میزان موفقیت و تأثیر پذیری سنایی از نظریه پراپ تا چه حد می‌باشد؟

(۳) تمثیل چه نقشی در بیان عرفانی دارد؟

۵ - اهداف تحقیق

تمثیلات در حدیقه سنایی علاوه بر اینکه حدیقه و کلام سنایی را جذاب و دل انگیز کرده‌اند، تأثیر عمده‌ای بر فهم و کشف و شهود مخاطب از مضامین عرفانی داشته‌اند، بنابراین شناخت این تمثیل‌ها و رمز گشایی آن‌ها برای دریافت پیام اخلاقی سنایی ضروری است و بدون نقد و تحلیل تمثیلات ممکن نیست به مباحث عرفانی مورد نظر سنایی و سیر اندیشه او دست یافت.

۶ - روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله، توصیفی - تحلیلی است و داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای گردآوری و سپس تجزیه و تحلیل شده‌اند.

۷ - ماهیت تمثیل

اصلاح تمثیل بیش از آن که در میان ادبا رواج داشته باشد در بین منطقیان و فقها رایج است. «خاستگاه تمثیل بیشتر فلسفه و کلام است تا ادبیات» (مک کوپین، ۱۳۸۹: ۳). اما به هر حال از جهاتی با ادبیات پیوند دارد به همین دلیل در کتب بلاغی تعاریفی برای آن آورده شده است.

تمثیل یکی از پرکاربردترین فنون بیان در ادبیات عرفانی است که ضمن زیبایی بخشیدن به سخن ادبی گزاره‌های ذهنی پیچیده را به تصاویر عینی قابل درک و لمس تبدیل می‌کند در حقیقت محسوس کردن مفاهیم ذهنی و مجرد، کارکرد اصلی تمثیل به شمار می‌رود. «از این رو در بسیاری از آثار اخلاقی و تربیتی به هنگام تعلیم و آموزش مفاهیم از شیوه تمثیل استفاده می‌شود» (تقی زاده، ۱۳۷۳: ۲۶). تمثیل بیان حکایت و روایتی است که هر چند معنای ظاهری دارد، اما مراد گوینده معنای کلی‌تر دیگری است. قهرمانان حکایت تمثیلی ممکن است افراد انسانی «تمثیل غیر حیوانی» یا جانوران «تمثیل حیوانی» باشند. (ر.ک؛ شمیسا، ۱۳۷۶: ۲۰۸). در حکایات تمثیلی گوینده، نخست، داستانی را روایت می‌کند و بعد از آن، نتیجه‌ای حکمی، عرفانی و اخلاقی می‌گیرد. در حقیقت طرح داستان جنبه ثانوی دارد و هدف اصلی اخذ و بیان نتیجه است. گاهی نتیجه را خود شاعر ذکر می‌کند و گاهی خود داستان به نحوی است که خواننده می‌تواند نتیجه را دریابد و در این صورت احتیاجی به توضیح شاعر نیست. نباید این نکته را فراموش کنیم که حدیقه الحقیقه در زمره آثار عرفانی می‌باشد. شعر عرفانی علی‌رغم این که جزو ادبیات عرفانی محسوب می‌شود از بعدی نیز می‌توان آن را شعر تعلیمی شمرد؛ زیرا «ادبیات صوفیانه غالباً جنبه‌ی تعلیم و تهذیب دارد» (بهزادی، ۱۳۷۸: ۳۷۲). تمثیل به طور کلی حکایت یا داستان کوتاه و بلندی است که فکر یا پیامی اخلاقی، عرفانی، دینی، اجتماعی و سیاسی و جز آن را بیان می‌کند. «اگر این فکر یا پیام به عنوان نتیجه منطقی حکایت یا داستان در کلام پیدا و آشکار باشد و یا به صراحت ذکر شود، آن را ممثل یا تمثیل می‌گویند و اگر این فکر یا پیام در داستان پنهان باشد و کشف آن احتیاج به فعالیت اندیشه و تخیل و تفسیر داستان داشته باشد آن را تمثیل رمزی می‌نامیم». (ر.ک؛ پورنامداریان، ۱۳۷۵: ۱۴۷).

۸ - شخصیت پردازی در حکایت‌های تمثیلی

نوع دیگری از تقسیم بندی تمثیل مربوط به شخصیت‌هایی است که در حکایت‌ها ایفای نقش می‌کنند. «شخصیت‌ها در حکایات تمثیلی از یک طرف شخصیت‌های واقعی می‌باشند و از طرف دیگر این شخصیت‌ها نماد مفاهیم اخلاقی و کیفیت‌های روحی خاص نیز هستند و می‌توان آنها را به عنوان شخصیت‌های نمادین نیز فرض کرد. شخصیت‌های نمادین نویسنده را قادر می‌کند، مفاهیم فکری با کیفیت‌های روحی و روشنفکرانه را به عمل درآورد. وقتی اعمال و گفتار شخصیتی، فکر یا عقیده یا کیفیتی را ارائه می‌دهد، ممکن است او را چون شخصیت نمادین گرفت. در قصه‌های گذشته فارسی تمثیل و نماد مورد استفاده‌ی بسیاری از اولیا و عارفان بوده است؛ مثلاً قصه‌های عقل سرخ و رساله الطیر جنبه نمادین و تمثیلی دارند و بالطبع شخصیت‌های قصه نیز نمادین و تمثیلی هستند.» (میرصادقی: ۱۳۸۲-۱۰۷). در اینجا نوع شخصیت‌های تمثیلی را در حدیقه سنایی بررسی می‌کنیم:

۸ - ۱ شخصیت‌های حیوانی

شخصیت‌های حیوانی موجود در حدیقه سنایی بحث گسترده‌ای از این پژوهش را شامل می‌شوند. «معروف‌ترین قسم تمثیل، تمثیل حیوانی است که فرنگیان آن را فابل (Fable) می‌گویند و آن را یکی از انواع ادبی می‌دانند. در فابل، قهرمانان حکایت (مشبه به تمثیلی) جانورانند» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۸۰). حیوانات و جانوران به سبب کاربرد تخیلی و تمثیلی که دارند، همواره در ادبیات فارسی نقش‌های زیادی داشته‌اند؛ در واقع یکی از کهن‌ترین عناصر به کار گرفته شده در ادبیات فارسی استفاده از تمثیل حیوانات است و شاعران و نویسندگان هر حیوانی را نماد و نشانه شخصیتی می‌دانسته‌اند. (ر.ک؛ وحیدیان کامیار، ۱۳۷۰: ۲۴۱). نقش آفرینی حیوانات در آثار تعلیمی از یک سو از حضور تکراری شخصیت‌های انسانی می‌کاهد و از سوی دیگر بیان غیر مستقیم مطلب به خاطر تصویری بودن موضوع، هم پیام را به خوبی به مخاطب انتقال می‌دهد و هم اثر را جذاب و متنوع می‌سازد مانند حکایت تمثیلی بلبل و زاغ و نیز روباه پیر و روباه جوان که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

۸ - ۲ شخصیت‌های انسانی

حکایت‌های انسانی که اروپاییان آن را پارابل (Parable) می‌گویند، حکایتی کوتاه است که حاوی یک نکته اخلاقی است. فرق آن با حکایت حیوانات در این است که شخصیت‌هایش انسان‌ها هستند و وقایع و حوادثی که در پارابل رخ می‌دهد در عالم واقعی نیز ممکن است رخ دهد و دیگر اینکه درس

اخلاقی پارابل نسبت به فابل در سطح متعالی‌تری قرار دارد. پارابل بیشتر به حقایق اخلاقی و روحانی نظر دارد چنان که یک نمونه عالی از اخلاق انسانی را به منزله الگویی برای اخلاق عمومی مطرح می‌کند. سنایی به اقشار مختلف مردم در حدیقه می‌پردازد از این جهت حدیقه دارای تنوع فراوانی به لحاظ شخصیت است. از میان همه اینها سنایی به پادشاهان و خلفا و علمای دینی توجه بیشتری نشان می‌دهد همچون: بهلول، جنید، بایزید بسطامی، شبلی، انوشیروان، اسکندر و ...

۹ - انواع تمثیل در بیان عرفانی

بیان تمثیلی از محورهای اصلی ساختار زبان ادبی عرفاست و عرفا ضمن شناخت کامل این فن بلاغی از انواع و اقسام آن فراخور حال و مقال استفاده‌های متنوع کرده‌اند. از دیدگاه ساختار روایت با دو نوع تمثیل روبه رو می‌شویم نوع اول «تمثیل‌های داستانی» که دارای ساختار کامل داستان و عناصر داستانی هستند و نوع دیگر «تمثیل‌های محض» که فاقد ساختار داستانی کامل هستند.

۹ - ۱ تمثیل‌های داستانی

تمثیل داستانی یا الیگوری در اصطلاح ادبی، روایت گسترش یافته‌ای است که حداقل دو لایه معنایی دارد: لایه اول صورت قصه و لایه دوم، معنای ثانوی آن است که در ورای صورت می‌توان جست. در تمثیل یک ایده ذهنی از خلال وسایط حسی بیان می‌شود. «تمثیل‌ها خواه در نظم، خواه در نثر، خواه در نمایشنامه، پیرنگ داستانی منسجمی دارند، اما نویسندگان آن‌ها از خوانندگان انتظار دارند تا یک معنای ثانوی و عمیق‌تر اخلاقی، سیاسی، فلسفی یا دینی را در فرای قصه تشخیص دهند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۸۵). این نوع تمثیل‌ها که ساختار طولانی دارند مبتنی بر قصه و روایت می‌باشند و تعداد کارکردها و شخصیت‌ها در تمثیل‌های عرفانی زیاد است و برآیندهای مختلفی از آن استخراج می‌شود. مانند تمثیل «اشتر و کودک»، «شهرکوران» و «اشتر مست و مرد نادان».

۹ - ۲ تمثیل‌های محض

این گروه از تمثیل‌ها ساختار ساده و کوتاهی دارند و از تعدد کارکردها و شخصیت‌ها بی بهره‌اند. این نوع تمثیل‌ها که فاقد ریخت داستانی هستند در حقیقت نوعی پیشرفته از تشبیه مرکب هستند و کارکرد اصلی آن‌ها نوعی استدلال منطقی و تبیین گزاره‌های اخلاقی است. در این نوع تمثیل تعداد کارکردها بین ۱-۲ کارکرد است و شخصیت آن از یک یا دو نفر تجاوز نمی‌کند. مانند تمثیل «مرغ دانا و مرغ

خانگی»، «بلبل و زاغ» و «روباہ پیر و روباہ جوان».

۱۰ - ریخت شناسی شیوہای نوین در تحلیل آثار ادبی

واژه «ریخت شناسی» (Morphology) یعنی بررسی و شناخت ریخت‌ها. در گیاه شناسی اصطلاح «ریخت شناسی یعنی بررسی و شناخت اجزاء تشکیل دهنده گیاه و ارتباط آنها با یکدیگر و با گل و گیاه و به عبارت دیگر ریخت شناسی در اینجا به معنی ساختمان گیاه است» (پراپ، ۱۳۹۶: ۴۴). پراپ با بررسی خویشکاری‌ها به چند نتیجه مهم رسید:

۱. خویشکاری‌های اشخاص قصه، عناصر ثابت و پایدار رادر یک قصه تشکیل می‌دهند و از این که چه کسی آنها را انجام می‌دهد و چگونه انجام می‌پذیرد مستقل هستند. آنها سازه‌های بنیادی یک قصه می‌باشند؛ ۲. شماره‌ی خویشکاری که در قصه‌های پریان آمده است محدود است؛ ۳. توالی خویشکاری‌ها همیشه یکسان است؛ ۴. همه قصه‌های پریان از جهت ساختمان از یک نوع هستند. (همان: ۸۲). پراپ هدف اصلی از ریخت شناسی آثار ادبی را سنجش این آثار با یکدیگر و سپس سنجش آنها با آثار فلسفی و اسطوره‌ای برای دست یافتن به وزن حقیقی آثار ادبی و استخراج نتایج تاریخی، اجتماعی، ادبی و فرهنگی درست از آنها می‌داند. این رشته مطالعات ریخت شناسانه و تاریخی پراپ در قلمرو داستانهای پریان تأثیر شگرفی بر حوزه‌ی عمومی نظریه‌ی ادبیات داشته است. تن یانو، در ساختار ادبیات به وظیفه متقابل عناصر سازنده عصر، در درون اثر، توجه خاص داشت. همان روش و همان نگاه را پراپ در حوزه ادبیات فولکلوری و داستانهای پریان مورد نظر قرار دارد. تأثیر جهانی مطالعات پراپ، تنها در حوزه پژوهشهای مرتبط با فولکلور و داستانهای پریان نبوده است. تأثیر پراپ را در مطالعات و پژوهشهای چهره‌های برجسته‌ای از نوع کلودلوی اشتراوس و گریماس و تودورف و بسیاری از بزرگان قرن بیستم می‌توان مشاهده کرد (ر.ک؛ شفیع کدکنی، ۱۳۶۸: ۳۴۶).

۱۱ - ریخت شناسی تمثیل‌های حیوانی

هدف سنایی از سرودن این حکایات، بیان موضوعی عرفانی، دینی و یا اخلاقی به زبان تمثیل است. سنایی در حدیقه از شش شخصیت تمثیلی استفاده کرده است. حکایت‌هایی که این شخصیت‌ها در آنها به کار رفته‌اند، جزو جذاب‌ترین حکایت‌های حدیقه به شمار می‌آیند. سنایی با استفاده از تمثیل حیوانات برای نشان دادن شخصیت‌های اجتماعی زمانه بهره می‌گیرد. شخصیت‌های تمثیلی که در این قسمت تحلیل شده‌اند عبارتند از: شتر، باز، مرغ، فیل، روباہ، بلبل و زاغ

جدول تحلیل تمثیل‌های حیوانی در حدیقه

ردیف	عنوان حکایت	صحنه آغازین	خویشکاری‌های حکایت	شخصیت‌ها	صحنه پایانی و برآیند تمثیل
۱	حکایت بلبل و زاغ	توصیف آغاز داستان	- زاغ و بلبل هر دو در باغی روزگار می‌گذرانند. - بلبل با زیبایی خود بر زاغ فخر فروشی می‌کرد. - هر دو در دام کودکی گرفتار شدند. - زاغ به بلبل گفت: چه من زشت رو و چه توی زیبا هر دو در دام دنیا گرفتار شدیم.	- زاغ - بلبل - کودک	اسیر شدن زاغ و بلبل در دام کودک و پیام اخلاقی سنایی مبنی بر اینکه فضای روزگار همه را در خود فرو می‌بلعد.
۲	من آمن بطاعه فقد خسر	گفتگوی روباه جوان با روباه پیر	- روباه پیر از روباه دیگری درخواست کمک می‌کند. - روباه پیر از روباه جوان می‌خواهد که نامی او را نزد سگان ببرد. - روباه جوان پاسخ می‌دهد: کاری که از من می‌خواهی بسیار پر دردرس است در برابر اجرتی که می‌دهی زیرا اگر جان من به خطر بیفتد دیگری درمتمت برایم سودی ندارد.	- روباه پیر - روباه جوان	اندیشیدن به پایان کار و عاقبت نگری روباه جوان که مانع از این شد که درخواست روباه پیر را انجام دهد.
۳	آن شنیدی که مرغکی در شخ	توصیف صحنه آغازین داستان	- مرغ با دام روبه روشد. - پرسید: تو کیستی؟ - دام جواب داد: زاهدی عزلت‌گزیده. - پرسید: این بند چیست؟ - جواب داد: برای محافظت از خود.	- مرغ - دام	پاسخ مرغ به دام و درنهایت پیام اخلاقی سنایی که نباید گول ظاهر افراد را خورد و گاه طمع زیاد باعث هلاکت

<p>است.</p>		<p>-پرسید: این گندم چیست؟ -جواب داد: غذایی که فردی پرهیزگار برایم می فرستد. - مرغ دانه را خورد. -مرغ به دام افتاد.</p>			
<p>پاره‌ی انتهایی ندارد و با کلام سنایی و آموزه‌های اخلاقی او، که عقل جزیی از درک حقیقت کلی عاجز است، داستان پایان می‌پذیرد.</p>	<p>- مردمان شهر - فیل - پادشاه</p>	<p>- شهری در مرز غور وجود داشت که مردمان آن کور بودند. - گذشتن پادشاه از آن شهر -در لشکر پادشاه فیل بزرگی بود. مردم آن شهر خواستار دیدن فیل شدند.. - نمایندگان از میان خود انتخاب کردند. -هر کس عضوی از یل را لمس کرد. - توصیفی که هرکدام از کوران از فیل دادند. -آن که گوش فیل را لمس کرده بود گفت: مانند گلیم است. - آن که خرطوم فیل را لمس کرده بود گفت: مانند ناودان است. - آن که پای فیل را لمس کرده بود گفت: مانند ستون است.</p>	<p>توصیف شهری بزرگ در نزدیکی غور و مردمان کور آن سرزمین</p>	<p>التمثیل فی شان من کان فی هذا عمی</p>	<p>۴</p>
<p>انسان‌های کامل در فکر رهایی از جهان مادی هستند. آنچه انسان را از پرواز در آسمان تکامل باز می‌دارد نادانی و دلستگی به تعلقات دنیوی است.</p>	<p>- مرغ دانا - مرغ خانگی</p>	<p>- مرغ دانا قفس را می‌شکند. -مرغ خانگی در فکر پرواز نیست. -مرغ خانگی در فکر دانه است. -به پروازی کوتاه بسنده می‌کند.</p>	<p>توصیف آغاز داستان که مرغ دانا قفس را شکسته و خود را آزاد می‌کند.</p>	<p>تمثیل مرغ دانا با مرغ خانگی</p>	<p>۵</p>

<p>دنیا پناهگاه خوبی نیست و دل بستن به جهان مادی و امور دنیوی مایه نابودی است و فقط مرد کامل است که می‌تواند بر این امور غلبه کند.</p>	<p>- شتر مست - اژدها - مار - موش - خاربن - مرد نادان - ترنجبین</p>	<p>- شتری، مرد نادان را دنبال می‌کند. - مرد به درثن چاهی پناه می‌برد. - بوته‌ای را دستاویز خود قرار می‌دهد. - پاهای خود را در شکاف می‌گذارد. - در شکاف هم دو مار وجود دارد. - اژدهایی در چاه است. - دو موش در چاه هستند. - موش‌ها بوته‌ها را می‌بریندند. - مرد بوته‌ای ترنجبین دید. - آن را در دهان گذاشت. - از خوردن آن لذت برد و مدهوش شد.</p>	<p>به چرا رفتن شتران در سرزمین شام</p>	<p>آن شنیدی که در ولایت شام</p>	<p>۶</p>
<p>از روی ظواهر نباید حکم یقینی صادر کرد. علت نهایی همه کنش‌ها درد عشق است.</p>	<p>- مرد نادان - شتر مست</p>	<p>- شتری مسخر کودک بود. - نادانی پرسید: چرا با این هیبت و بزرگی از کودکی اطاعت می‌کنی؟ - شتر پاسخ می‌دهد: از کودک نه از درد تبعیت می‌کنم.</p>	<p>گفت و گوی مرد نادان با شتر</p>	<p>التمثل فی المحبت والشکر</p>	<p>۷</p>
<p>حرکت در مسیر تکامل مستلزم خطر، ریاضت، پرهیز و باز شدن چشم است.</p>	<p>- باز - بازدار - پادشاه</p>	<p>- باز را صید می‌کنند. - گردن و پاهایش را می‌بندند. - چشم‌هایش را می‌بندند. - غذای اندکی به او می‌دهند. - یک چشم او را باز می‌کنند. - دو چشم او را باز می‌کنند. - شایسته همراهی با پادشاه می‌شود.</p>	<p>توصیف صحنه آغازین داستان</p>	<p>تمثیل باز و تربیت آن</p>	<p>۸</p>

نتیجه گیری

سراسر حدیقه مملو از تمثیلاتی است که آفریده فکر و زاییده طبع سخندان حکیم غزنین است. با تحلیل و بررسی در تمثیل‌های حیوانی حدیقه، که به عنوان یکی از بزرگترین متون عرفانی فارسی شناخته شده است، دیدیم که چگونه سنایی از زبان حیوانات به عنوان حربه‌ای برای بیان مفاهیم عارفانه‌ی خود استفاده می‌کند. و این شیوه نه تنها دارای جذابیتی شگرف است؛ بلکه بار معنایی و ظرافت‌های سخن سنایی را نیز بهتر آشکار می‌کند. و سرچشمه‌ی هویت و حقیقت آدمی و تعلق او به زیبایی را در برخی از حکایات همچون شتر و ابله، به خوبی نشان می‌دهد. بررسی ریختاری تمثیل‌ها نشان می‌دهد که غالباً سه نوع اصلی شخصیت شامل شخصیت‌های انسانی، حیوانی و پدیداری در ساختار داستان نقش آفرینی دارند. در حدیقه هم مانند دیگر متون عرفانی عنصر شخصیت پردازی مغفول و غایب است. برخلاف تمثیل‌های غربی، تعداد خویشکاری‌ها در تمثیل‌های عرفانی از ۸ تا ۱۰ خویشکاری تجاوز نمی‌کند. گویی ذهن شاعران و نویسندگان متون تمثیلی عرفانی در ساختارهای داستانی کشدار و طولانی احساس ملال می‌کند. داستان، شخصیت، عمل، زمان و یا مکانی است که در آن حکایت اتفاق می‌افتد بیشترین سهم را در تمثیلات حدیقه دارد، صحنه‌ی پایانی در بیشتر قسمت‌ها در همان اوج بحران به پایان می‌رسد و حکیم سنایی با نتیجه‌گیری داستان و بیان مستقیم پند و اندرز داستان را به پایان می‌رساند. نتیجه‌گیری دیگر که از بررسی ریخت شناسی تمثیل‌های حیوانی در حدیقه می‌گیریم این است که برآیند تمثیل‌ها در حدیقه سنایی بیشتر در خدمت گزاره‌های اخلاقی است.

منابع و مأخذ

۱. بهبهانی، مرضیه (۱۳۸۷) تمثیل آیین اجتماع (سیری در تمثیل‌های عرفانی در آثار عطار و مولانا) فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی، زمستان، شماره ۱۳، صص ۴۳-۷۶
۲. بهزادی، حسین (۱۳۷۸). طنز و طنز پردازی در ایران، تهران: صدوق.
۳. پراب، ولادیمیر (۱۳۹۶). ریخت شناسی قصه‌های پریان، ترجمه فریدون بدره‌ای، چ چهارم، تهران: توس.
۴. پورنامداریان، تقی (۱۳۷۵) رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، تهران: علمی و فرهنگی
۵. تقی زاده، صفدر (۱۳۷۳) شکوفایی داستان کوتاه در دهه نخستین انقلاب، تهران: علمی
۶. سنایی غزنوی، مجدود بن آدم (۱۳۹۴). حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه، به اهتمام محمدتقی مدرس رضوی، چ هشتم، تهران: دانشگاه تهران.
۷. شفیع کدکنی، محمد رضا (۱۳۸۰) صور خیال در شعر فارسی، چ هشتم، تهران: آگاه
۸. ----- (۱۳۶۸) موسیقی شعر، چ دوم، تهران: آگاه

۹. شمیسا، سروش (۱۳۸۳). انواع ادبی، چ دهم، تهران: فردوس.
۱۰. ----- (۱۳۷۴) بیان و معانی، تهران: فردوسی
۱۱. ----- (۱۳۷۶) انواع ادبی، چ هفتم، تهران فردوس
۱۲. صمدی، علی (۱۳۹۵) ریخت شناسی تمثیل‌های عرفانی در اشعار سنایی، عطار و مولوی، پایان نامه دکترای تخصصی به راهنمایی عبدالله طلوعی آذر، دانشگاه ارومیه
۱۳. مک کویین، جان (۱۳۸۹) تمثیل، مترجم: حسن افشار، تهران: مرکز
۱۴. میرصادقی، جمال (۱۳۸۲). ادبیات داستانی، چ چهارم، تهران: انتشارات علمی، فرهنگی.
۱۵. وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۷۰). حرف‌های تازه در ادبیات فارسی، اهواز: جهاد دانشگاهی.





**Journal of Research Allegory in
Persian Language and Literature**

Islamic Azad University- Bushehr Branch

No. 45 / Autumn 2020

<http://jpll.iaubushehr.ac.ir>

ISSN 2008-627X



**Morphology of several animal allegories in Hadiqat Sanaei
based on the theory of Vladimir Propp**

Maryam Kianifar^{1*}, Reza Ashrafzadeh², Mohammad Fazeli³

1. Graduated from Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Iran

2. Professor of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Iran

3. Professor of Arabic Language and Literature, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Iran

Abstract

Morphology is a new and structuralist approach to the study of literature, and the Russian anthropologist Vladimir Propp should be considered the initiator of this scientific method. The use of allegory as a rhetorical industry and method of reasoning is a fundamental method in Iranian mystical literature. This practice, which has been common in Iranian literature for a long time, has started from Sanai poems. Examining mystical allegories from a "morphological" point of view allows for a comprehensive literary, social, and mystical analysis of them and provides an opportunity to examine the application of allegory in mystical literature in a purely scientific manner. In the present study, while expressing and examining the types of allegory, we try to analyze its constituent elements according to Propp's model in order to explain Sanai's allegorical expression based on the self-works that Propp introduces for fictional elements.

Keywords: Morphology, allegory, Sanai, Vladimir Propp